

## فرستادگان اندک اند، همانند ستارگان در تاریکی آسمان

«در زندگی دنیا که در آن هستیم موضوع (أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ) (آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: آری) اتفاق افتاده است و اتفاق می افتد و اتفاق خواهد افتاد و تا پایان این زندگی دنیوی ادامه دارد. اینجا کسی هست که ما را آفریده و ما را به این عالم مادی جسمانی ظلمانی فرستاده است. از اینجا است که او همیشه ما را صدا می زند و می خواند و به همه ما همان فطرت و شایستگی ها را داده است تا از او بشنویم و به سوی او برویم؛ به سویی که نور و پاکی است. ولی افراد اندکی نعمتش را سپاس می گویند و پاسخ او را می دهند و (هو) می گویند و از منیت روی گردان می شوند. آنان واقعاً اندک اند. دقیقاً مانند ستارگان در تاریکی آسمان کم هستند. آن ها پیامبران و اوصیاء و فرستادگان عَلیهم السلام هستند.»



(سید احمد الحسن، عقاید اسلام، ص ۲۲۸).

نقد و بررسی معیارهای مسیح شناسی کراویتز | قسمت دوم

مسیح چگونه می خواهد بیش از ۵۰ درصد یهودیانی را که اکنون در آمریکا ساکن اند، بیاورد؟!  
به آنها چه باید بگوید تا بیایند؟!

قبله حقیقی

احیای خانه وحی

- صدای یمانی آل محمد علیهم السلام سید احمد الحسن باشیم

نگاهی به تاریخ سرگشتگی امت اسلام

- مذمت علمای متقدم شیعه از اجتهاد

## سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری علیه السلام است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه‌سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولدشده در آخرالزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده‌اند و نیز فرستاده‌ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به‌دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت‌های الهی احتجاج می‌کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می‌شود:

۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده‌اند و نام مبارک احمد به‌عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.

۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده‌اند.

۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه‌ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیرالمؤمنین؛ که فرمود: «...ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن‌ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام‌اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن [خلافت] را به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان‌آوردگان است.»

# پایه پنجم

## فهرست

۳..... احیای خانه وحی

نقد و بررسی معیارهای مسیح‌شناسی کراویتز  
۶..... قسمت دوم

۸..... مذمت علمای متقدم شیعه از اجتهاد

۱۱..... قبله حقیقی



### هفته‌نامه زمان ظهور

شماره ۱۷۶، جمعه ۳۱ فروردین ۱۴۰۳،  
۹ شوال ۱۴۴۵، ۱۹ آپریل ۲۰۲۴  
صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت

راه‌های ارتباطی:

[WWW.VARESin.ORG](http://WWW.VARESin.ORG)  
[WWW.ALMAHDYOON.CO](http://WWW.ALMAHDYOON.CO)



هر گونه برداشت از هفته‌نامه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات  
سازنده شما عزیزان است.

السلامة علیکم وعلیٰ آئمتکم وعلیٰ صحبکم  
وعلیٰ جمیع المسلمین و المسلمات

# احیای خانه وحی

صدای یمانی آل محمد علیهم السلام سید احمد الحسن باشیم

## به قلم: ستایش حکمت

### صیانت و حفاظت از میراث فرهنگی، معنوی و تاریخی

صیانت و حفاظت از میراث فرهنگی و اجتماعی اجداد و نیاکان و آنچه به یادگار گذاشته‌اند، نشانه قوت روح تمدن و باورهای آن جامعه است. امروزه زمان سرعت شگفت‌انگیزی به خود گرفته و گویی با تمام توان به سمت آنچه نیل کرده، شتابان می‌رود. در این رویارویی نابرابر میان زمان و بشر، تغییر و تحولات آن قدر عجول‌اند که گاهی فقط یک لبخند به لب خشکیده یا حتی حسرتی دردناک برجای مانده است؛ و دردناک‌تر اینکه تو به غفلت مشغول باشی و بعد از آن، به یاد آوری تمام آنچه شتابان از تو گرفتند، سرمایه‌های ناب و باورهای ارزشمند تو بوده است. افسوس دیرزمانی است این دارایی‌های تو در دل خاک فراموشی دفن شده. دستت را به من بده تا تو را با خود گام‌به‌گام به دیدن این واقعه تلخ تاریخ ببرم.



**انهدام میراث فرهنگی - معنوی (انسانی)**
**محو خانه وحی در دل زمین!**

تخریب و خاموشی خانه رسول خدا ﷺ در دل خروارها خاک، در مکه!

خانه‌ای که فاطمه علیها السلام در آن رشد یافت و همچون قبرش در پس کینه و دشمنی‌ها نهان گشت.

آری، این‌ها اشتباهات شهرسازی در بافت شهر نیست؛ این‌ها تیغ تیز خنجر دسیسه‌های پیروان سقیفه است که اسلام و پیروان راستینش در طول قرن‌ها از آن زخم برداشته و بسی جای تأسف! تیزی این تیغ از غفلت من و توست.

آری، این فقط یک تخریب ساده و دفن یک خانه زیر آوارهای شهر نیست. این تدفین نمی‌تواند نامی جز دهن کجی به باورهای اسلام حقیقی، بی‌توجهی به شعائر دین الهی و ناسپاسی در حق بنیان‌گذار آن، یعنی محمد ﷺ باشد؛ همو که حبیب خداوند سبحان شد و وعده‌گاه ملاقاتش را نزدیک‌ترین جایگاه تقرب به خویش (قاب قوسین او آدنی) اختیار نمود. [۱]

تخریب این اثر ارزشمند افزون بر سبک شمردن و توهین به شعائر الهی، نشانه زوال اندیشه و سقوط و انحطاط فکری است که به مرور زمان به رکود و خمودگی فرهنگ و باورهای انسانی منجر می‌شود.

**از اهمیت این خانه همین بس که «جلال‌الدین سیوطی» نقل می‌کند:**

«وقتی رسول اکرم ﷺ آیه شریفه ﴿فِي بُيُوتِ الَّذِينَ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ يُرْفَعُوا وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ﴾ [۲] را در مسجد تلاوت نمود، فردی برخاست و پرسید: مقصود از این خانه‌ها چیست؟ پیامبر گرامی ﷺ فرمود: خانه‌های پیامبران. در این موقع ابوبکر برخاست و به خانه علی و زهرای علیهما السلام اشاره کرده و گفت: ای پیامبر خدا! این خانه از همین خانه‌هاست که خدا رخصت بر رفعت و منزلت آنان داده است؟ حضرت فرمود: آری از برترین آنهاست. [۳]

قطعاً سازه و دیوارهای آن خانه‌ها به خودی خود ارزشمند نبودند که اعتبارشان وام‌دار صاحبانی بوده که آن خانه‌ها را بنا کرده و تمام سختی‌های رسالت الهی را یک‌تنه به دوش کشیدند؛ چنان‌که رسول خدا ﷺ فرمود: «مَا أُذِي نَبِيٍّ بِمِثْلِ مَا أُذِيَتْ» «هیچ پیامبری به اندازه من اذیت نشد». [۴]

خانه رسول خدا ﷺ میراث معنوی جماعت مؤمنان است. این خانه نظرگاه خداوند، محل تلاقی نور با حکمت و سرور، معبد مناجات شبانه و مهبط نزول وحی، محل فرود جبرائیل علیه السلام، و یادگار بانوی بزرگ اسلام خدیجه علیها السلام و جایگاه انس وی به محمد ﷺ است.

آری، هر خشت این بنا به میزان صبر و ارادتش در راه محمد ﷺ شهادت می‌دهد. به مناجات‌های بریده و پنهانی‌اش با خدای سبحان، به ایمان این تنها زن مؤمن به رسول خدا ﷺ در دوران بسیار سخت بعثت گواه است.

در روایتی در منزلت بزرگ بانوی اسلام نزد خدای سبحان می‌خوانیم:

«إِنَّ جَبْرَائِيلَ أَتَى النَّبِيَّ ﷺ فَقَالَ إِفْرَاءَ خَدِيجَةَ مِنْ رَبِّهَا السَّلَامَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا خَدِيجَةُ هَذَا جَبْرَائِيلُ يُقْرِئُكَ مِنْ رَبِّكَ السَّلَامَ، قَالَتْ خَدِيجَةُ: اللَّهُ السَّلَامُ وَمِنْهُ السَّلَامُ وَعَلِيَّ جَبْرَائِيلُ السَّلَامَ» «همانا جبرائیل نزد پیامبر آمد، پس گفت: به خدیجه از طرف پروردگارش سلام برسان؛ پس حضرت فرمود: ای خدیجه، این جبرائیل است که از طرف پروردگارت سلام می‌رساند. خدیجه علیها السلام گفت: خدا سلام است و سلام از اوست و بر جبرائیل سلام باد.» [۵]

این قضیه شاهد اعتبار خانه رسول خدا ﷺ معدن وحی و رسالت و محل نزول فرشته وحی است؛ چنان‌که مخزن اسرار خدا و سرچشمه علم و حکمت الهی است. پس چه چیز ما را به این غفلت وا داشت تا دست روی دست گذاشته، شاهد تلخ‌ترین تدفین معنویت باشیم؟!

**با یک سیر کوتاه در تاریخ و حقایق گزنده آن در خواهیم یافت که بدایت این عداوت و نهایت شقاوت از کجاست!**
**وها بیت، دشمن قسم خورده شعائر الهی**

تفاوت میان آموزه‌های اسلام حقیقی و اسلام وهابیت، بلکه میان آموزه‌های دینی مسلمانان (اعم از شیعه و سنی) و دین وهابیت از زمین تا آسمان است. در اینجا بر آنچه در دل تاریخ نهفته است مروری گذرا خواهیم داشت تا به درک بهتری از این اسلام خودساخته عده‌ای کج‌فهم و ظاهرگرا برسیم که بویی از حقیقت وحی الهی نبرده‌اند:

فرقه وهابیت یکی از فرقه‌های افراطی نوظهور است که خود را به اسلام منتسب می‌داند و عمرش در تاریخ طولانی اسلام به دو قرن هم نمی‌رسد. آنها خود را سلفی و پیرو افرادی چون «ابن تیمیه» می‌دانند و از

اندیشه و خطمشی فکری (محمد بن عبدالوهاب) بنیان‌گذار این دین جعلی تبعیت می‌کنند.

«به عقیده این فرقه حضرت محمد ﷺ فقط نقل‌کننده قرآن است و روح و حقیقت ایشان چه در زمان حیات و چه در زمان انتقال به ملاً اعلی هیچ سود و زبانی نخواهد داشت. از دیدگاه آنان اعتقاد به اینکه روح آن حضرت ﷺ زیان می‌رساند یا نفعی دارد، شرک صریح و ارتداد از اسلام است؛ همچنین اگر کسی بگوید «لا اله الا الله محمد رسول الله»، ریختن خونش را جایز می‌دانند. چون گوینده این شهادتین قائل به نفع و ضرر روح محمد ﷺ بعد از انتقال آن به عالم دیگر است.» [۶]

آری، وهابیت در شرک قلمداد کردن بسیاری از دستورات اسلام حقیقی، همانند توسل جستن به اولیای الهی و تبرک جستن به اماکن مقدس ابایی ندارند؛ لذا تلاش کردند حتی با محو آثار فرهنگی-اجتماعی و میراث معنوی اسلام، اندیشه محمدی و اسلام حقیقی را محو کنند.

پس سوار بر اریکه ظلم شدند و بی‌وقفه تاختند تا آنجا که خانه خدیجه علیها السلام زادگاه دخت رسول خدا صلی الله علیه و آله را نیز تخریب کردند.

این اندیشه شوم، میراث «محمد بن عبدالوهاب» است که از اسلاف خود «عبدالوهاب بن تیمیه» به ارث برده است.

«وهابیون در سال ۱۲۱۸ پس از مسلط شدن بر مکه تمام آثار بزرگان دین را تخریب کردند. آنان در «معلی» قبه زادگاه پیامبرگرامی صلی الله علیه و آله و قبه زادگاه علی بن ابی طالب علیه السلام و حضرت خدیجه علیها السلام را ویران و با خاک یکسان کردند. آثار باستانی‌ای

که در اطراف خانه خدا و بر روی زمزم بود نیز تخریب کرده و در تمام مناطقی که مسلط می‌شدند آثار صالحین را نابود کردند. آنان هنگام تخریب این اماکن مقدس، طبل می‌زدند و به رقص و آوازخوانی می‌پرداختند.» [۷]

ردالت و شقاوت این قوم در حق محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله تا آنجا ادامه یافت که محل هبوط جبرائیل فرشته وحی الهی را که قدمگاه بهترین و محبوب‌ترین خلق خدا محمد صلی الله علیه و آله بود تخریب کردند تا با از بین بردن آثار و نشانه‌های ظاهری، نام و یاد محمد صلی الله علیه و آله هم از یادها برود. عقیده و اعمالی که با موازین کتاب و سنت، دو یادگار برجای مانده رسول خدا صلی الله علیه و آله در تضاد بوده، و باعث پدید آمدن مشکلات فراوانی در جامعه مسلمانان شده است.

### سخن پایانی

## ما با میراث رسول الله چه کردیم؟

ما به‌عنوان شیعه و مدعی پیروی از آل محمد صلی الله علیه و آله با این ظلم کنار آمدیم و سکوت پیشه کردیم؛ بلکه چشم فرو بسته و براساس مصالحی دست دوستی به‌سویشان دراز کردیم. آیا این جور و ستمی بزرگ در حق اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نیست؟! امروز باید فریاد مظلومیت خدیجه بنت خویلد علیها السلام باشیم.

امروز باید هم‌نوا با آل محمد صلی الله علیه و آله در این ظلمی که به این خاندان شده به نشر مظلومیت بپردازیم. امروز باید صدای مردی از آل محمد صلی الله علیه و آله باشیم که در دفاع از اجداد طاهرش تمام‌قد ایستاده و خواهان احیای خانه وحی است.

سید احمدالحسن فریاد مظلومیت

محمد صلی الله علیه و آله را بلند کرده و از همه مسلمانان خواهان بازگشت به فطرت خداجویشان شده است: «خداوند به مسلمانان توفیق دهد تا صدای خود را بلند کرده و خواستار آشکار ساختن خانه مقدس وحی شوند.» [۱۱] فطرتی که حجت تام خدا در زمین را واسطه‌ای بین خالق و خلق می‌داند؛ فطرتی که به شرک پشت‌پا زده و توحید حقیقی را در خود متجلی کند.

او ایمانی موعود. خواستار هدایت و بازگشت انسان به‌سوی خدای یکتایی است که خلق کرد تا عبادت شود.

﴿مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ ﴿جَنِّ وَأَنْسَ رَانَ يَا فَرِيدِمُ مَگر برای عبادتتم﴾. [۱۲] و این عبادت تنها در سایه تعالیم الهی خلیفه او در زمین محقق می‌شود. وقت آن رسیده که دور یگانه پرچم حق گرد آییم و او را در احقاق حق محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله یاری دهیم. و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین.

### منابع:

۱. سوره نجم، آیه ۹.
۲. سوره نور، آیه ۳۶.
۳. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۶، ص ۲۰۳.
۴. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۵۶.
۵. کشف الغمة فی معرفه الائمه، ج ۱، ص ۵۱۲.
۶. برگرفته از کتاب توحید، نوشته سید احمدالحسن، حدود افراط، ص ۹۳.
۷. امین، سید محسن، کشف الارتیاب، ص ۲۷ به نقل از تاریخ الجبروتی.
۸. سید احمدالحسن، صفحه فیس‌بوک، ۲ دسامبر ۲۰۲۳ م.



# نقد و بررسی معیارهای مسیح‌شناسی کراویتز

ا قسمت دوم

مسیح چگونه می‌خواهد بیش از ۵۰ درصد یهودیانی را که اکنون در آمریکا ساکن‌اند، بیاورد؟! به آنها چه باید بگوید تا بیایند؟!

به قلم: یرهوشوع ربوبی

• پیشگفتار

در قسمت پیشین، دو معیاری که بن‌سیون نام برد، بررسی و نقد شد؛ در این قسمت به چهار معیار دیگری که او گفت می‌پردازم و آنها را بررسی و نقد می‌کنم.



• بررسی معیار سوم. جمع‌آوری یهودیان

«او باید یهودیان را از تبعید بیرون آورده به اسرائیل بازگرداند. (اشعیا ۲۷: ۱۲ و ۱۳، اشعیا ۱۱: ۱۲)» [۱]

می‌گوییم:

مسیح چگونه می‌خواهد بیش از ۵۰ درصد یهودیانی را که اکنون در آمریکا ساکن‌اند، بیاورد؟! به آنها چه باید بگوید تا بیایند؟! این امکان ندارد؛ مگر اینکه او دارای معرفی‌نامه یا نص باشد؛ چرا؟ زیرا وقتی او حقانیتش را این‌گونه اثبات کند که کتاب مقدس به او بشارت داده و اوصاف او را گفته است، سپس مشخص می‌شود که او مسیح است و می‌تواند آنها را راضی کند تا بیایند! بنابراین معرفی‌نامه الهی یا نص در شناخت مسیح موعود حرف اول را می‌زند. [۲]

• بررسی معیار چهارم. تجدید بنای معبد یهودیان

بن‌صیون در ادامه می‌گوید:

«او باید معبد یهودیان را در اورشلیم تجدید بنا کند. (میکاه ۱: ۴)» [۳]

می‌گوییم:

اینجا می‌توانیم این سؤال را از او بپرسیم که مسیح چگونه و با چه نیرویی قرار است معبد را بسازد؟! یهودیان در ابتدای ظهورش او را به‌عنوان مسیح موعود نمی‌شناسند، پس چگونه می‌خواهند او را یاری دهند؟! مسیح باید چه بگوید؟! آیا او می‌گوید من را یاری دهید تا اثبات شود من مسیح موعود شما هستم؟! ساده‌لوحانه است انتظار داشته باشیم که یهود به‌خاطر این موضوع او را یاری دهند. بنابراین او نیاز به معرفی‌نامه الهی دارد.

• بررسی معیار پنجم. برپایی صلح جهانی

بن‌صیون در ادامه می‌گوید:

«او باید با خود صلح جهانی به‌همراه بیاورد. (اشعیا ۴۰: ۲، اشعیا ۶۰: ۱۱)» [۴]

می‌گوییم:

مسیح چگونه می‌خواهد صلح را در جهان به‌همراه بیاورد، درحالی‌که این موضوع نیازمند یاری مردم است! مردم چگونه او را باید بشناسند تا یاری‌اش دهند و این هدف تحقق پیدا کند؟! آیا جز از راه معرفی‌نامه‌ای که او تقدیم می‌کند؟

• بررسی معیار پایانی؛ شناخت و عبادت خدا توسط مردم دنیا

بن‌صیون آخرین معیارش را این‌گونه برمی‌شمارد:

«۶- سراسر دنیا را زیر تأثیر شناخت خدا و عبادت به خدای یگانه درآورد (یشعیا ۹: ۱۱؛ یشعیا ۴۰: ۵؛ صنفیا ۳: ۹)» [۵]

می‌گوییم:

تا هنگامی که مردم به حقانیت مسیح پی نبرند و در هنگام ظهورش به او ایمان نیاورند و فرامین او را انجام ندهند، نه خدا را عبادت یا بندگی می‌کنند و نه او را می‌شناسند. آری، با مسیح، دین و اراده خدا را خواهند شناخت و خواهند دانست و عبادت خواهند کرد و معرفت خواهند داشت.

از طرفی این یک پروسه زمان‌بر خواهد بود؛ چراکه بسیاری از مردم جهان در گمراهی به سر می‌برند! آنها نیاز به روشننگری و آشکارسازی حق توسط مسیح دارند تا بتوانند خدا را بشناسند و عبادت کنند.

در نتیجه معتقدم این معیار نمی‌تواند ما را در بدو ظهور مسیح یاری رساند تا او را بشناسیم.

• نتیجه‌گیری

مشخص شد معیارهای سوم، چهارم، پنجم و ششم بن‌صیون نمی‌تواند معیارهای دقیق و مناسبی باشد. کسی که آنها را معیار سنجش قرار دهد، با ظهور مسیح او را نخواهد شناخت و او را یاری نمی‌دهد؛ پس نیازمند قانونی هستیم که ثابت باشد تا بتوانیم مسیح موعود را با آن بشناسیم.

منابع:

۱. دفترچه راهنما برای مقابله با تبلیغات میسیونری، ص ۳۰.
۲. افزون بر این، اگر منظور او این است که مسیح موعود یهود باید تمامی یهودیان را به سرزمین فلسطین اشغالی بیاورد تا مشخص شود که او مسیح است، پس می‌گوییم: البته سال‌های طولانی است که نزدیک به ۳۰ درصد از یهودیان به آنجا آورده شده‌اند؛ پس اگر او ۷۰ درصد دیگر را بیاورد، چگونه می‌توان او را مسیح دانست درحالی‌که او ۳۰ درصد را نیاورده بود!
۳. دفترچه راهنما برای مقابله با تبلیغات میسیونری، ص ۳۰.
۴. همان.
۵. همان.

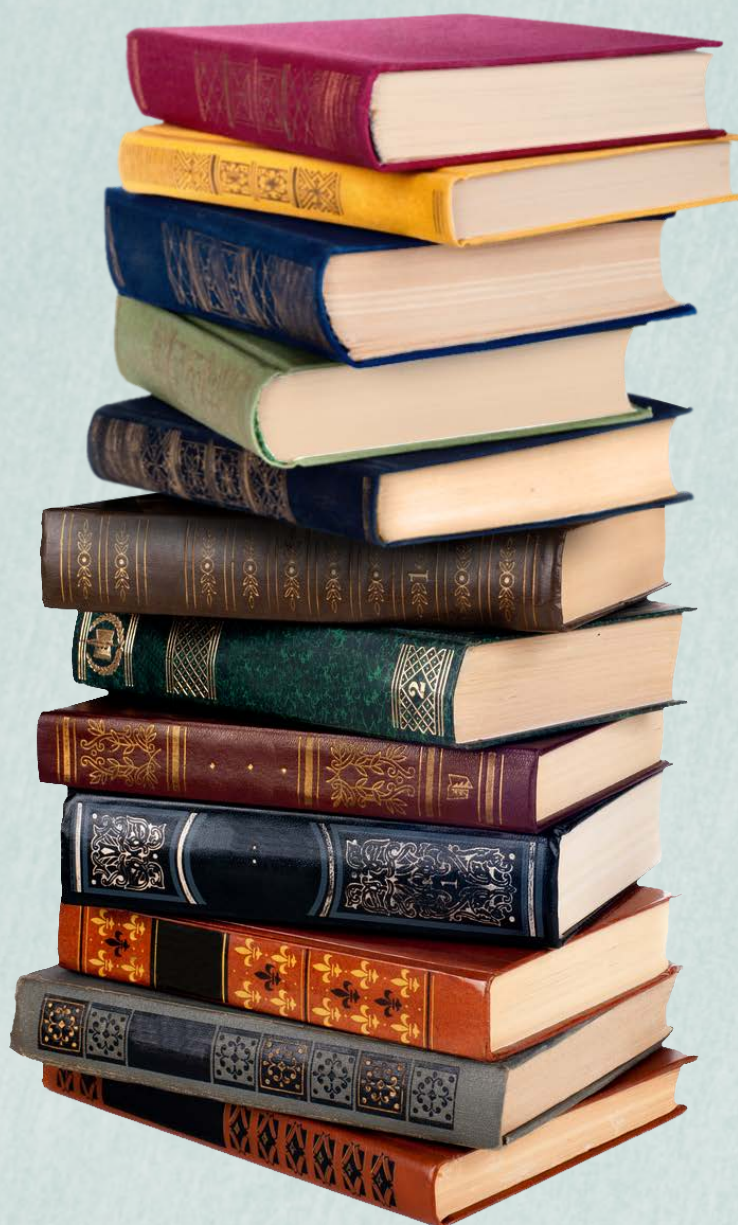


نگاهی به تاریخ سرگشتگی امت اسلام

# مذمت علمای متقدم شیعه

## از اجتهاد

به قلم: کاظم محمدی



انسان‌ها به تاریخ و خصوصاً قصه‌های تاریخی علاقه‌ای وافر دارند. قرآن نیز حقایق آینده را با زبان تاریخ و قصه برای آنها بیان کرده است. و چقدر زیباست که خداوند داستان یوسف زهراء علیها السلام را به بهترین قصه توصیف کرده است. و این داستانی که خداوند از آن به‌عنوان بهترین داستان‌ها یاد می‌کند چیزی نیست جز «تصدیق آنچه بعد از آن است»؛ [۱] یعنی تصدیق آنچه بعداً، بعد از محمد صلی الله علیه و آله می‌آید و او یوسف آل محمد صلی الله علیه و آله است. و در این رؤیایها و قصه تفصیل بعضی از چیزهایی که به یوسف آل محمد صلی الله علیه و آله اختصاص دارد نیست، بلکه در آن «تفصیل همه چیز» [۲] است و در نتیجه این قصه برای «صاحبان عقل» [۳] «و برای قومی که ایمان دارند» [۴] است، نه برای غیر آنها. در زمان ظهور یوسف آل محمد صلی الله علیه و آله، قائم مهدی «هدایت و رحمت است». [۵] [۶]

قرآن قصه‌سرایی نمی‌کند تا وقت‌گذرانی کرده باشیم یا نهایتاً با دانستن تاریخ، صرفاً سرگذشت آنان را به‌خاطر بسپاریم. اگر این تاریخ‌ها برای ما کاربردی نداشته باشد لغو خواهد بود و حاشا از قرآن کریم از اینکه به لغو مشغول باشد.

تاریخ به ما می‌گوید شیعه اجتهاد اهل سنت را قبیح شمرده و آن را تخطئه و دروغ بستن بر پیامبر ﷺ و خداوند به حساب می‌آورده است و اختلافاتی را که به سبب اجتهاد در دین پدید آمده بود دلیلی برگمراهی دانسته و طبق آیه ۱۰۵ سوره اعراف عذابی بزرگ در انتظار آنهاست.

گویی نعمانی حدیثی از امام سجاده ﷺ را برایمان بازخوانی می‌کند: امام سجاده ﷺ می‌فرماید: «وَذَهَبَ آخِرُونَ إِلَى التَّقْصِيرِ فِي أَمْرِنَا وَ اخْتَجُوا بِمُتَشَابِهِ الْقُرْآنِ فَتَأَوَّلُوهُ بِأَرْائِهِمْ وَ انْتَهَمُوا مَا تُورِ الْخَبِرِ مِمَّا اسْتَحْسَنُوا يَفْتَحِمُونَ فِي أَغْمَارِ الشُّبُهَاتِ وَ دِيَاجِيرِ الظُّلَمَاتِ بِغَيْرِ قَبَسِ نُورٍ مِنَ الْكِتَابِ وَ لَا أَتْرَةَ عِلْمٍ مِنْ مَطَانِ الْعِلْمِ بِتَحْذِيرِ مُتَبَطِّينَ رَعَمُوا أَنَّهُمْ عَلَى الرُّشْدِ مِنْ غِيهِمْ وَ إِلَى مَنْ يَفْرَعُ خَلْفَ هَذِهِ الْأَمَةِ وَ قَدْ دَرَسَتْ أَعْلَامُ الْمِلَّةِ وَ دَانَتْ الْأَمَّةُ بِالْفُرْقَةِ وَ الْاِخْتِلَافِ يُكْفَرُ بَعْضُهُمْ بِبَعْضٍ وَ اللَّهُ تَعَالَى يَقُولُ وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَ اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتِ» «دیگرانی به کوتاهی در امر ما گرویدند و به متشابه قرآن احتجاج کردند و آن را با نظرات خودشان تأویل کردند و خبرهای رسیده را با آنچه نیک انگاشتند متهم کردند. بدون شعله نوری از قرآن و هیچ نشانه‌ای از علم نزدیک به منبع علم با هشدار هشداردهندگان، در اعماق شبهات و تاریکی شدید فرورفتند. گمان کردند که بر هدایت‌اند و به سمت کسی رفتند که پشت این امت مخفی شده است، درحالی‌که سران ملت نابود شدند و امت به تفرقه و اختلاف رسید. بعضی از آنها بعضی دیگر را تکفیر می‌کنند. خداوند می‌فرماید: **(مثل کسانی که بعد از اینکه آیات روشنگرانه به آنها رسید متفرق**

شاگرد ثقة الاسلام کلینی) در کتاب خود، احوال مردم آن روز را این چنین توصیف می‌کند: «و بر رسول خدا دروغ بستند و تهمت زدند که رسول الله ﷺ اجتهاد را برای آنها مباح کرده و برای آنها آنچه ادعا می‌کنند قواعد اجتهاد را آزاد گذاشته.» [۹] ایشان در ادامه می‌فرماید: «و اگر آنها آنچه خدا امر کرده بود **(و اگر آن را به رسول و به اولوالامر از خودشان برگردانند کسانی که بطن آن را آشکار می‌کنند آن را می‌دانستند)** (نساء، ۸۳) و **(از اهل ذکر بپرسید اگر نمی‌دانید)** (نحل، ۴۳ و انبیاء، ۷) را اجرا می‌کردند، خداوند آنها را به نور هدایت می‌رساند و آنچه نمی‌دانستند را به آنان می‌آموزد و آنها را از قیاس و اجتهاد بی‌نیاز می‌کند و اختلافی که در احکام دین بین آنها افتاده از بین می‌رفت. کسانی که بندگان را به پذیرش این‌ها می‌خوانند و آن را بین خود مستقر کردند و بر پیامبر ﷺ دروغ بستند که او چنین اجازه‌ای داده، درحالی‌که قرآن از آن منع می‌کند و باز می‌دارد، آنجا که خداوند می‌فرماید: **(اگر از نزد غیر خدا بود در آن اختلافات بسیاری می‌دیدند)** (نساء، ۸۲)؛ و می‌فرماید: **(و مثل کسانی نباشید که متفرق شدند و بعد از اینکه دلایل به آنها رسید اختلاف کردند)** (آل عمران، ۱۰۵)؛ و می‌فرماید: **(همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و متفرق نشوید)** (آل عمران، ۱۰۳)؛ و آیات الهی در مذمت اختلاف و تفرقه بیش از آن است که قابل جمع کردن باشد. اختلاف و تفرقه در دین همان گمراهی است ... پس چه بیانی از این واضح‌تر و بعد از این توضیح و راهنمایی چه حجتی بر خدا دارد؟ به خدا پناه می‌بریم از اینکه ما را به خود و عقل و اجتهاد و نظراتمان در دین واگذارد.» [۱۰]

این ویژگی را می‌توان در دیگر عبرت‌ها و تاریخ‌ها نیز یافت. حضرت علی ﷺ به فرزند خویش این چنین فرمود: «أَيُّ بُنَيِّ إِيَّتِي وَ إِنْ لَمْ أَكُنْ عَمَرْتُ عُمَرَ مَنْ كَانَ قَبْلِي فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ وَ فَكَّرْتُ فِي أَحْبَابِهِمْ وَ سَرْتُ فِي آثَارِهِمْ حَتَّى عُدْتُ كَأَحَدِهِمْ بَلْ كَأَنِّي بِمَا أَنْتَهَى إِلَيَّ مِنْ أُمُورِهِمْ قَدْ عَمَرْتُ مَعَ أَوْلَاهِمُ إِلَى آخِرِهِمْ فَعَرَفْتُ صَفْوَةَ ذَلِكَ مِنْ كَدْرِهِ وَ نَفْعَهُ مِنْ ضَرِّهِ» «پسرم، من اگرچه به اندازه تمام زمان پیشینیان عمر نکردم ولی به درستی که در کارهایشان نگاه کردم و در خبرهای آنها فکر کردم و در آثار آنها گشتم تا اینکه یکی از آنها شدم؛ بلکه گویا من با آنچه از آنها به من رسید با اولین آنها تا آخرین آنها زندگی کردم؛ پس خلوص آن را از کدرش و نفعش را از ضررش باز شناختم.» [۷]

اما در این برهه از زمان که نشانه‌های قیامت صغرا [۸] آشکار شده و ما در میانه آماجی از جنگ رسانه‌ای قرار گرفته‌ایم که فضای فکری را برای مردم تیره و قدرت انتخاب عقیده درست را از مردم می‌گیرد، مناسب است خود را با آنچه به حال ما شبیه‌تر است مقایسه کنیم، نه با تاریخ‌هایی که شاید تمامی آن برای ما مفید نباشد یا اینکه دارای اولویت به خصوصی نباشد.

اگر در تاریخ مسلمانان اولیه نگاهی بیندازیم، می‌بینیم حال ما شبیه حال کسانی است که به خواست خود، چراغ هدایت را گم کرده و در سرگردانی خودساخته، بعد از پیامبر اسلام ﷺ به این سو و آن سو دویدند تا اینکه در بیابان جهالت و شک هلاک شدند.

نعمانی (از محدثین قرن چهارم و

## شدند و اختلاف کردند نباشید)

(آل عمران، ۱۰۵). [۱۱]

**البته این مسئله آن قدر روشن و واضح است که حتی انسان‌هایی که اندکی در قرآن فکر کردند و بخشی از حقایق آن را فهمیدند نیز نسبت به آن هشدار داده بودند که جدایی از وصی پیامبر ﷺ و پیروی از خواست‌های نفسانی، ریشه و اساس تفکر شورایی و سقیفه‌ای است.**

أَبِيّ بن كعب در دفاع از حضرت علیؑ می‌گوید: «وَإِنْ سُئِلَ هَذَا عَنْ غَيْرِ مَا يَعْلَمُ أَفْتَى بِرَأْيِهِ» و اگر این ابوبکر یا شخص نوعی از آنچه نمی‌داند مورد پرسش قرار گیرد، هرچه به نظرش می‌رسد به آن فتوا می‌دهد. [۱۲] اما وقتی مرکب چموش شهوت و خودپرستی لگام بگسلد، تا سوارش را بر زمین نزند آرام نمی‌گیرد.

اما اجازه دهید بعضی از نکات سخن نعمانی را نه فقط از جنبه تاریخی، بلکه از سوز جگر و خون دل خوردن علمای شیعه در آن زمان مورد بررسی قرار دهیم.

نعمانی اشاره می‌کند که اهل سنت بر پیامبر ﷺ دروغ بستند و گفتند این اجتهاد و هرآنچه به آن مربوط است (علوم بشرساخته‌ای مثل نحو، صرف، رجال، قیاس، استحسان، اصول عملیه، مذاق شارع و ...) را پیامبر ﷺ قرار داده است؛ سپس به قرآن کریم مراجعه کرده و می‌گوید چنین مسئله‌ای نشدنی است که پیامبر ﷺ امری را اجازه و تقریر کند که با قرآن مخالفت دارد؛ چراکه قرآن امر به اتحاد کرده درحالی‌که اجتهاد منجر به تفرقه می‌شود.

از آنجایی که بنا بود از تاریخ درس زندگی بگیریم باید ببینیم اوضاع زمانه ما چگونه است؟ در زمان خودمان آیا ما نمی‌بینیم کسانی همان ادعا را طرح کرده، می‌گویند پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام، بلکه خداوند اجازه داده است که با ظن و گمان در امور دین فتوا دهیم؟ اگر امروز ابوزینب (نعمانی) بیاید نمی‌گوید ما به اهل سنت خرده می‌گرفتیم که چرا بر پیامبر ﷺ دروغ بستند ولی می‌بینیم شما نیز همین عمل را تکرار می‌کنید؟

## آیا اختلافاتی که امروزه مشاهده می‌شود ثمره پیروی از قرآن است یا نتیجه مخالفت با قرآن؟

آیا نمی‌بینیم که این اختلافات امروزه تا جایی پیش رفته که فرمایش امام حسن مجتبیٰ ﷺ محقق شده است؟ «يَبْرَأُ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ وَ يَلْعَنُ بَعْضُكُمْ بَعْضاً وَ يَتَّقِلُ بَعْضُكُمْ فِي وَجْهِ بَعْضٍ وَ حَتَّى يَشْهَدَ بَعْضُكُمْ بِالْكَفْرِ عَلَى بَعْضٍ» «بعضی از شما از بعضی دیگر براءت می‌جوئید و بعضی از شما بعضی دیگر را لعن می‌کند و بعضی از شما در صورت بعضی دیگر آب دهان می‌اندازد و بعضی از شما به کفر بعضی دیگر شهادت می‌دهد.» [۱۳] و اگر این اختلافات نتیجه مخالفت با قرآن است، تا کجا می‌توان در مخالفت با قرآن گام برداشت؟ آیا وقت آن نشده مکتب کرده و بیندیشیم و تصمیم درست برگرفته و آخرت خود را به دنیای دیگران نفروشیم؟

در تمام طول تاریخ، از زمان مبعوث شدن حضرت آدم ﷺ انسان‌ها مأمور به شناخت خداوند از طریق شناخت حجت خدا بوده‌اند [۱۴] و غیبت حجت خدا

دلیل و بهانه‌ی درستی بر اجتهادات شخصی یا پیروی از غیرمعصوم نیست. اما از آنجایی که وظیفه‌ی گذشتگان بر ما تکلیف نیست، [۱۵] بیایید «از خودمان شروع کنیم»؛ زیرا ما مسئول کارهای خودمان هستیم. هیچ‌گیزی از پذیرش حق در هیچ زمانی وجود ندارد؛ مخصوصاً در این زمان که فرستاده‌ی امام مهدی ﷺ، یعنی سید احمدالحسن که راه رسیدن به دین واقعی است در بین ما حضور دارد و راه‌های ارتباطی بسیاری از جمله مکتب شریف را برای ما گشوده است.

### منابع:

۱. سوره یوسف، آیه ۱۱۱.
۲. همان.
۳. همان.
۴. همان.
۵. همان.
۶. سید احمدالحسن، روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان، ص ۱۲۵.
۷. تحف العقول، ص ۷۰.
۸. قیامت قائم ﷺ.
۹. غیبت نعمانی، ص ۴۹.
۱۰. غیبت نعمانی، ۵۰-۵۱.
۱۱. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمة في معرفة الأئمة (ط-القدیمة)، ج ۲، ص ۹۹.
۱۲. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۱۱۴.
۱۳. الغیبة (للطوسی)، ص ۴۳۸.
۱۴. سید احمدالحسن، عقاید اسلام، ص ۲۳۲.
۱۵. سوره بقره، آیات ۱۳۴ و ۱۴۱.

# قبله حقیقی

به قلم: ستاره شرقی

## مقدمه

(قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَهُ تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ) (ما رو کردن تو به اطراف آسمان را می بینیم تو را به سوی قبله‌ای که می پسندی می گردانیم، پس روی به جانب مسجد الحرام کن و هر کجا که باشی روی خود را به آن سو کنی). (بقره، ۱۴۴)

۱. منظور از قبله چیست و چرا رو کردن به قبله مهم است؟
۲. چرا قبله از بیت المقدس به مکه تغییر جهت داد؟ مهم‌ترین عامل این تغییر چه بود؟
۳. آیا منظور از قبله همان سنگ‌هایی است که به سمتش نماز گزارده می‌شود؟
۴. چه رمز و رازی پشت ولادت امیرالمؤمنین علیه السلام در خانه کعبه و قبله‌گاه مسلمانان نهفته است؟
۵. منظور از اینکه برای اجسام قبله‌ای است و برای ارواح قبله‌ای چیست؟
۶. چرا در روایات بهترین حالت ممکن برای خوابیدن را به پهلو راست و روبه قبله می‌دانند؟
۷. چرا فرد محتضر را روبه قبله کرده و جسد میت را روبه قبله دفن می‌کنند؟
۸. چرا مسلمانان در همه کارها به یک مبدأ و یک ملجأ توجه داشته و حیات و مماتشان را براساس آن تنظیم می‌کنند؟

قبله مکانی است که مسلمانان به سوی آن رو کرده و در پیشگاه پروردگار عالم به خضوع و خشوع مشغول می‌شوند.

این جهت در بسیاری از احکام اسلامی همچون نماز، ذبح حیوانات و دفن مردگان اهمیت دارد. [۱] بنا به اهمیت قبله، بر آن شدیم تا مقاله کوتاهی برگرفته از آیات، روایات و کلام معصومین علیهم السلام و نیز سید احمد الحسن بیاوریم تا حقیقت امر برایمان روشن شود و به پاسخ پرسش‌هایی که در ابتدا ذکر کرده‌ایم برسیم.

## قبله در احکام اسلامی

### ذبح

این آدابی است که بیشتر مسلمانان در هنگام ذبح، حیوانات حلال‌گوشت را رو به سوی قبله می‌کنند و با «بسم الله» حیوان را ذبح می‌کنند. در اینجا روایاتی را می‌آوریم که به روبه‌قبله بودن ذبیحه اشاره می‌کند: روبه‌قبله بودن ذبیحه هنگام ذبح در صورت امکان. [۲]

روایت دیگر: در اینکه همه قسمت جلوی بدن، یعنی صورت، سینه، گلو و شکم، حیوان باید روبه‌قبله باشد یا روبه‌قبله بودن محل ذبح (گلو) کفایت می‌کند، اختلاف است. [۳]

### محتضر

محتضر شخصی است که هنگام وفاتش فرا رسیده است. احتضار نیز آدابی دارد که شایسته است اطرافیان آن را انجام دهند. از جمله آداب روبه‌قبله کردن محتضر است.

در روایتی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمده که: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره محتضر به توجه او به سمت قبله امر کردند و این کار را موجب توجه و اقبال ملائکه و خداوند به محتضر دانسته‌اند.» [۴]

همچنین در روایتی دیگر گفته شده: «تنها عملی که درباره وجوبش هنگام احتضار بحث شده است، روبه‌قبله قرار دادن شخص محتضر است.» [۵]

در این خصوص سید احمدالحسن چنین می‌گویند: «محتضر انسانی زنده است؛ یعنی روح او همچنان به جسمش اتصال دارد. محل اتصال روح در بدن سینه است. محتضر درحالی که بر پشت خوابیده است روبه‌قبله می‌شود تا روح او متوجه بالا و صورتش و صورت جسمش در برابر قبله باشد و به این ترتیب به استقبال خداوند سبحان و فرشتگان برود.» [۶]

### اموات

همان‌طور که روبه‌قبله بودن از آداب محتضر است، برای اموات هم روبه‌قبله بودن شرط است و این امر به اهمیت قبله اشاره دارد. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: «صورت میت را در قبر روبه‌قبله قرار دهید؛

چراکه با این کار ملائکه و خداوند به او روی خواهند کرد و رحمت الهی شامل او خواهد شد.» [۷]

روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام که می‌فرمایند: «برای بن معرور انصاری در مدینه بود و پیامبر اسلام در مکه که برای در آستانه مرگ قرار گرفت [این زمانی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان به سمت بیت‌المقدس نماز می‌خواندند] سفارش نمود که صورتش را در قبر به سمت پیامبر صلی الله علیه و آله که در مکه بود قرار دهند و به ثلث مالش نیز سفارش نمود و این سنت قرار گرفت.» [۸]

چنانچه در روایت فوق آمده پیامبر صلی الله علیه و آله سفارش نمودند که صورت برای بن معرور را به سمت پیامبر صلی الله علیه و آله که در مکه بود قرار دهند، درحالی که آن زمان قبله مسلمانان بیت‌المقدس بود! این نشان‌دهنده چیست؟ آیا رو کردن به امام مهم است یا روبه‌قبله بودن؟ رمز این قبله در چیست؟ حیات و ممات ما باید به کدامین سو باشد؟

سید احمدالحسن در چگونگی قرار گرفتن جسد میت این‌گونه بیان داشته‌اند: «جسم میت، جسمی است که روح از آن جداگشته است؛ بنابراین با صورت جسمانی او را متوجه قبله می‌کنند، و بهترین شکل برای روبه‌قبله کردن صورت این است که بر پهلو راست بخوابد و روبه‌قبله کند.» [۹]

### خوابیدن

طریقه صحیح خوابیدن هم از نظر علمی و هم روایی مورد بحث است. در بسیاری از سایت‌ها در طریقه خوابیدن چنین نظری را بیان داشته‌اند. «هارولد بور از دانشگاه ییل برای اولین بار به وجود مغناطیسی در اطراف موجود زنده پی برد. نزدیک به ۷۰ درصد از بدن ما را آب فرا گرفته و مولکول‌های آب به صورت دو قطبی هستند و زمانی که ما در معرض یک میدان مغناطیسی خارجی قرار می‌گیریم، این مولکول‌ها در جهت آن میدان قرار می‌گیرند. این پدیده باعث به هم ریختگی نظم مغناطیسی ما می‌شود. بر طبق تصاویر به دست آمده از میدان مغناطیسی زمین، اگر انسان در هر نقطه از زمین روبه‌قبله بایستد، میدان مغناطیسی بدنش بر میدان مغناطیسی زمین منطبق می‌گردد. پس بهترین جهت برای خوابیدن همان خوابیدن روبه‌قبله است.

خوابیدن روبه‌قبله یعنی بدن در جهت مغناطیسی باشد. هنگامی که روبه‌قبله می‌خوابیم در واقع آهن تنظیم شده و باعث سالم ماندن بدنمان می‌شود. در نتیجه به بیماری‌های قلبی دچار نمی‌شویم؛ در غیر این صورت

نمی‌کند و تمنای تو را بی‌پاسخ نمی‌گذارد. وقتی دعای ایشان کامل شد، جبرائیل بالا رفت و در همان ساعت بازگشت و عرض کرد: ای محمد! بخوان: **(قَدْ نَزَى تَقَلَّبَ وَجْهَكَ فِي السَّمَاءِ فَلَوْلَيْتَكَ قَبْلَهُ تَرْضَاهَا قَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ)** (ما رو کردن تو به اطراف آسمان را می‌بینیم. تو را به سوی قبله‌ای که می‌پسندی می‌گردانیم، پس روی به جانب مسجد الحرام کن و هرکجا که باشی روی خود را به آن سو کنید). [۱۳] تا آخر آیات.

در این هنگام یهودیان گفتند: **(ما ولاحم عن قبلتهم التي كانوا عليها)** (چه چیز آنها را از قبله‌ای که به آن روی کردند برگردانید؟). خداوند به آنان بهترین پاسخ را داد و فرمود: **(قل الله المشرق والمغرب)** (بگو مشرق و مغرب از آن خداوند است) و او مالک آنهاست و مکلف کردن خداوند به تغییر دادن به سویی همانند تغییر دادن شما به هر سوی دیگر است... [۱۴]

امام حسن عسکری علیه السلام در بیان علت و ماجرای این تغییر قبله چنین می‌فرماید: «زمانی که میل و کشش اهل مکه به کعبه بود، خداوند اراده فرمود که پیروان محمد صلی الله علیه و آله را از مخالفین او با متابعت و پیروی از قبله‌ای که آن را خوش نمی‌داشتند، مشخص سازد و محمد صلی الله علیه و آله را به چنین چیزی دستور داد و هنگامی که میل و کشش مردم مدینه در بیت المقدس بود به خلاف آن فرمان داد و اینکه به کعبه رو کنند تا کسی که با محمد صلی الله علیه و آله موافقت دارد و او را تصدیق می‌کند، به واسطه آنچه از آن کراهت دارد، آشکار گردد. سپس فرمود: این مسئله‌ای سخت و بزرگ بود، مگر بر کسانی که خداوند آنان را هدایت فرموده بود. رو کردن به سوی بیت المقدس در آن زمان مسئله‌ای سخت و گران بود، مگر برای کسانی که خداوند هدایتشان کرده بود؛ در نتیجه دانست که خداوند به خلاف آنچه خواست بنده است فرمان می‌دهد، تا اطاعت از خودش را در مخالفت با هوا و هوسش بیازماید.» [۱۵]

چنانچه در روایت مشاهده می‌کنیم تغییر قبله بنا بر آزمایش و امتحانی برای مردم آن زمان بود، تا مخالفان و پیروان حقیقی مشخص شود که کدام یک حقیقتاً پیرو حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله هستند و از او متابعت می‌کنند. چراکه فرمان او همان فرمان خداست و کسانی که از فرمان رسول مکرم اسلام سرپیچی کنند، همانند این است که نسبت به خداوند عناد و سرپیچی کرده‌اند.

## رو به کعبه یا رو به امام؟

روایتی از علی بن جعفر علیه السلام است که از برادرش امام کاظم علیه السلام سؤال می‌کند: «نحوه نشستن نمازگزاران هنگام

آهن در جدار رگ‌ها رسوب کرده و مقدار آهن بدن کاهش می‌یابد. این امر سبب تصلب رگ‌ها و عوارض قلبی می‌شود و به کبد به عنوان قسمت‌کننده آهن بدن لطمه شدیدی می‌زند.» [۱۰]

جدای از توصیه‌های پزشکی در روایات شیعه به این شکل خوابیدن اشاره شده است: عبدالله بن احمد بن عامر طائی از امام رضا علیه السلام و او از پدرانش نقل می‌کند که حسین بن علی علیه السلام فرمود: «علی بن ابی طالب علیه السلام در مسجد کوفه بود که مردی از اهل شام به پا خاست و از او مسئله‌هایی پرسید. در میان سؤال‌های او یکی هم این بود که گفت: به من خبر بده که خوابیدن چند نوع است؟ فرمود: خوابیدن بر چهار وجه است. پیامبران به پشت می‌خوابیدند، چشمانشان نمی‌خوابید و در انتظار وحی خدا بودند، و مؤمن به پهلو راست و روبه قبله می‌خوابد و پادشاهان و فرزندان آنها بر پهلو چپ می‌خوابند تا آنچه خورده‌اند گوارا گردد و شیطان و برادرانش و هر دیوانه و مریض بر روی خود می‌خوابند.» [۱۱]

## ذوالقبلتین

مسجد ذوالقبلتین مسجدی است که در آن، قبله مسلمانان در حین یک نماز ظهر از بیت المقدس به بیت الله الحرام تغییر یافت. پیامبر اسلام در این نماز دو رکعت را به سوی بیت المقدس و دو رکعت دیگر را به جانب کعبه گزارد. این امر در مسجد بنی‌سالم مدینه انجام شد که بعدها به مسجد ذوالقبلتین یا دو قبله‌ای مشهور گشت. [۱۲]

سید احمد الحسن در کتاب روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان، در خصوص تغییر جهت قبله روایتی از امام باقر علیه السلام می‌آورد که فرموده‌اند: «هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکه بود، خداوند به او دستور داد که در نمازش به سمت بیت المقدس رو کند... رسول الله صلی الله علیه و آله این عمل را طی ۱۳ سال اقامتش در آنجا انجام می‌داد. هنگامی که در مدینه بود و عبادتش را باید رو به بیت المقدس به جا می‌آورد، این عمل را انجام داد و به مدت ۱۷ یا ۱۶ ماه به کعبه رو نمی‌کرد. گروهی از خودبزرگ‌بینان یهود این‌گونه می‌گفتند: به خدا قسم، نمی‌دانیم چگونه است که محمد به سوی قبله ما نماز می‌خواند و در نمازش هدایت‌ها و اعمال ما را برگرفته است؟ این موضوع بر رسول خدا صلی الله علیه و آله گران آمد... جبرائیل عرض کرد: از پروردگارت درخواست کن تا آن را برایت تغییر دهد که او درخواست تو را رد

خطبه‌خوانی امام در نمازهای جمعه و عیدین (فطر و قربان) باید چگونه باشد؟ رو به قبله یا رو به امام؟ امام علیه السلام می‌فرمایند: رو به امام. [۱۶]

روایت فوق به صورت دیگری هم نقل شده است: «کل واعظ قبله و كل موعوظ قبله للواعظ» «هر موعظه‌کننده‌ای، قبله موعظه‌شونده و هر موعظه‌شونده‌ای قبله موعظه‌کننده است.» [۱۷]

همان‌طور که در مطلب پیشین در بحث اموات گفته شد: (صورت براء بن معرور را در قبر به سمت پیامبر صلی الله علیه و آله که در مکه بود قرار دادند، درحالی‌که آن زمان قبله مسلمانان بیت‌المقدس بود). وجه مشترک این دو روایت در چیست؟ آیا غیر از آن است که در هر دو، رو کردن به امام مدنظر است نه قبله؟! هم‌سو شدن با کدام یک درست است قبله یا امام؟!

## مفهوم قبله از دیدگاه عالمان دین

محقق حلی می‌فرماید: «استقبال واجب است؛ برای قریب عین کعبه و برای بعید جهت آن است.» [۱۸]

سید خمینی توجه به کعبه را استقبال به کعبه می‌داند و کسی که در برابر خداوند ایستاده است در امتداد آسمان چهارم بیت‌المعمور است که آن راز قلب است؛ بنابراین راز کعبه بیت‌المعمور است و راز بیت‌المعمور قلب است و سرّ سرّ آن یدالله و سرّ مستر آن اسم الله اعظم است. [۱۹]

همچنین ایشان استقبال را توجه قلب به قبله حقیقی و توجه نکردن به جهات متکثره و متفرق و سد روبه‌قبله بودن می‌داند؛ از این رو

لازم است سالک توجه خود را به قبله حقیقی معطوف کند که مطابق فطرت جبلی اوست؛ زیرا این فطرت متوجه کمال مطلق است. [۲۰]

آنچه از بیانات محقق حلی برمی‌آید ایشان تنها به رو کردن از جهت‌های دور یا نزدیک به کعبه اشاره دارد و در بیان اهمیت استقبال به کعبه چیزی بیان نمی‌کنند؛ اما سید خمینی توجه قلبی به قبله حقیقی که همان بیت‌المعمور در آسمان چهارم است را در نظر می‌گیرد و آن را مطابق فطرت سالک می‌داند که تمام توجهش باید به قبله حقیقی باشد؛ چراکه این فطرت متوجه کمال مطلق است.

## کعبه، بیت‌المعمور، ضراح

در این قسمت قصد داریم بیان کاملی از اسامی کعبه در آسمان‌ها را از کلام سید احمدالحسن بیاوریم. ایشان می‌فرمایند: «کعبه تجلی و ظهور بیت‌المعمور است که خود تجلی و ظهور ضراح است. ضراح در آسمان ششم که بالاترین آسمان مثالی ملکوتی است قرار دارد و بالاتر از آن، آسمان هفتم که آسمان کلی و نه مثالی است قرار دارد. ضراح پس از پاسخ دادن ملائکه هنگامی که خداوند از خلقت آدم به آنها خبر داد خلق شد و ملائکه بر آن طواف کردند تا پس از بی‌حرمتی و اعتراضشان بر خداوند سبحان و متعال، خداوند آنها را بیامرزد و توبه‌شان را بپذیرد.» [۲۱]

ضراح در آسمان‌های پنج‌گانه پایین‌تر از آسمان ششم متجلی شد و در هر آسمان، خانه‌ای مناسب با جایگاه آن پدیدارگشت که فرشتگان آن آسمان بر آن طواف می‌کنند، تا

خداوند سبحان آنها را ببخشاید و توبه‌شان را بپذیرد. در آسمان چهارم بیت‌المعمور [۲۲] است و این خانه در زمین تجلی و ظهور یافت و بیت الله الحرام یا کعبه شد.» [۲۳]

**این کعبه و تجلیاتش به چه چیزی اشاره می‌کند؟!  
زمینیان و افلاکیان به چه طواف می‌کنند؟!  
راز این قبله و طواف به دور آن چیست؟!**

## مفهوم قبله‌شناسی از منظر سید احمدالحسن

سید احمدالحسن می‌فرماید: «اگر برای سجده اجسام قبله‌ای باشد که همان کعبه است به‌طور قطع برای سجده ارواح نیز باید قبله‌ای وجود داشته باشد، قبله‌گاه ارواح همان ولی خدا (حجت خدا بر آفریده‌هایش) است. با اطاعت از او خداوند اطاعت می‌شود و با سرپیچی از او خداوند معصیت می‌شود.» [۲۴]

ایشان در نصیحتی به انصار می‌فرمایند: «یاران احمدالحسن، بنده‌ای فانی که می‌میرد و صاحب چیزی نیست نباشید؛ بلکه یاران آن زنده‌ای باشید که نمی‌میرد و هرچه را بخواهد انجام می‌دهد؛ یعنی قبله شما را از حقیقتی که هدف شماست باز ندارد.» [۲۵]

## هدف از آفرینش ما چیست؟

خداوند در آیه ۵۶ سوره ذاریات می‌فرماید: **(و ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون) (جن و انس را جز برای پرستش خود نیافریدم)؛**

یعنی (لیعرفون؛ تا مرا بشناسند). [۲۶]

آیا ما انسان‌ها می‌توانیم با نقص و ظلمتی که داریم کمال مطلق، عدل مطلق، قادر مطلق، رحمان مطلق و... را بشناسیم؟

این کاملاً و بعینه مشخص است که انسان به دلیل نقص و ظلمتش نمی‌تواند کامل مطلق را بشناسد؛ لذا برای شناخت خداوند به حجت‌های الهی روی می‌آوریم؛ چراکه آنها به شناخت خداوند آن‌طور که شایسته و بایسته است رسیده‌اند و تنها کسانی هستند که معرفت و اطاعت از آنان ما را به معرفت الهی می‌رساند (بکم عرف الله، من عرفکم فقد عرف الله). حال این اطاعت باید چگونه باشد؟

سید احمدالحسن در ادامه می‌فرمایند: «باید قلب‌های شما متعلق به آن معبود سبحان و متعال باشد، نه بنده‌ای از بندگان او! اگرچه آن بنده خلیفه خدا در زمینش باشد، تابع خلیفه خدا باشید؛ زیرا خداوند شما را به آن فرمان می‌دهد و باید تلاش و کوشش و عرق ریختن تا به همراه خلیفه خدا باشد، نه به این دلیل که این انسانی را که خدا خلیفه خود در زمینش کرده، دوست می‌دارید که این شرکی است که انسان مؤمن و صالح را از ارتقا در راه‌های آسمان باز می‌دارد؛ بلکه به این دلیل که خدا شما را به آن فرمان داده است. **(و ما یؤمن اکثرهم بالله إلا و هم مشرکون) (و بیشترشان به خدا ایمان نمی‌آورند مگر همراه با شرک).** [۲۷]» [۲۸]

### بیایید این سؤال را از خود پرسیم:

آیا قلب‌هایمان خالصانه برای معبود تپیده است؟! در شناخت او چه کسانی را شریک قرار داده‌ایم؟!

سید احمدالحسن در ادامه می‌فرماید: «بدانید که خداوند برای ما در دل‌های مؤمنان دوستی و محبت نهاده است. قلب‌های آنها با یاد ما رقیق و نرم می‌شود و اشک‌های آنها با شوق ما روان می‌گردد و شما نیز با این آزموده می‌شوید؛ پس این محبت، شما را از یاد خدا غافل نسازد و مانند کسی نباشید که آینه او را به خود مشغول می‌کند درحالی‌که از دیدن تصویر در آینه باز می‌دارد. بدانید که آینه ساخته شده تا شما را به تصویری برساند که در آن قرار دارد. خداوند شما را مشمول رحمت خویش قرار دهد. پس بدانید که خلفای خدا در زمینش، راهنمایانی هستند که مردم آنها را می‌شناسند و به وسیله آنها خدا شناخته می‌شود و غایت و هدف نهایی شما خداست و غرض از خلقتتان معرفت او سبحان و متعال است. پس مبادا و مبادا که به آن دلیل‌ها و راهنمایان که سلام خدا بر همه آنها باد مشغول شوید و از هدفتان که آنها بر آن خواندند می‌خوانند دور شوید.» [۲۹]

## سخن پایانی

هدف از روبه‌قبله بودن کعبه و سنگ‌ها نیست؛ بلکه آن مولودی است که در کعبه به دنیا آمد [۳۰] و این مولود همان علی بن ابی‌طالب علیه السلام است؛ کسی که خداوند را به خوبی شناخت و ما انسان‌ها برای شناخت خداوند و رسیدن به آن معرفت حقیقی رو به سوی او و دیگر حجت‌های الهی می‌کنیم؛ زیرا آنها همان چراغ راه و تابلوهای مسیر هستند که ما را به هدف که همان شناخت خداست می‌رسانند؛ و البته که باید از پرداختن و توقف کردن در حجت‌های الهی به دور باشیم؛ چراکه این همان شرکی است که مؤمن را

از ارتقا در راه‌های آسمان باز می‌دارد. تنها اطاعت از حجت‌های الهی باید به این دلیل باشد که آنها همان راه نهایی برای رسیدن به معرفت خدا هستند.

سید احمدالحسن می‌فرماید: «شما را برحذر می‌دارم که به قبله مشغول شوید؛ قبله‌ای که به شما فرمان داده شده است تا از درونش بنگرید. شما را برحذر می‌دارم که به قبله مشغول شوید، قبله‌ای که آنچه فراسویش قرار دارد خواسته شده است. برحذرتان می‌دارم از اینکه چیزی از دستورات خلیفه خدا در زمینش را مهمل بگذارید که او قبله شما به سوی خداست و شما را برحذر می‌دارم که مشغول شدنتان به خلیفه خدا، شما را از یاد خدای سبحان باز دارد؛ چراکه خلیفه خدا، جز قبله‌ای به سوی او نیست.» [۳۱]

از خداوند منان همراهی و هم‌سو شدن با حجت‌های الهی را عاجزانه طلب می‌کنیم و از او می‌خواهیم یاری‌مان کند تا از طریق قبله به هدف نهایی که شناخت اوست برسیم.

## منابع:

۱. سایت ویکی پدیا دانشنامه آزاد



۲. جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۱۱۰ و ص ۱۱۱.
۳. مسالک الافهام، ج ۱۱، ص ۴۷۶؛ مجمع الفائده، ج ۱۱، ص ۱۱۴؛ مستند الشیعه، ج ۱۵، ص ۴۱۱. (سایت ویکی فقه).
۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲، ب ۳۵، ح ۶، ص ۶۶۲. (سایت ویکی فقه).
۵. طوسی، محمد بن علی، الوسیله، ص ۶۲. (سایت ویکی فقه).
۶. احمدالحسن، متشابهات، ج ۲، سؤال ۳۰.



در زمین، کسی را قرار می‌دهی که فساد می‌کند و خون‌ها می‌ریزد؟! خداوند از فرشتگان روی گرداند. آنها دیدند که این روی گردانیدن از خشم خداوند است. پس به عرش او پناهنده شدند. خداوند به ملکی از ملائکه فرمان داد تا در آسمان ششم در برابر عرش او برایش خانه‌ای به نام ضراح برای اهل آسمان قرار دهد که هر روز ۷۰ هزار فرشته طوافش می‌کنند و باز نمی‌گردند و استغفار می‌کنند. چون آدم به آسمان دنیا فرود آمد، خداوند فرمانش داد که این خانه را که در مقابل آن بود بازسازی کند. پس خداوند این را برای آدم و نسل او قرار داد؛ همچنان که آن خانه را برای آسمانیان قرار داده بود. کافی، ج ۴، ص ۱۸۷، باب آغاز خانه و طواف؛ سید احمد الحسن، متشابهات، ج ۲، پرسش ۴۰.

۲۲. ابو حمزه ثمالی از علی بن حسین علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: «به پدرم گفتم: چرا طواف هفت دور است؟ فرمود: از آنجاکه خداوند به ملائکه فرمود: من در زمین جانشینی قرار می‌دهم. فرشتگان به خداوند پاسخ دادند: آیا در آن کسی را قرار می‌دهی که فساد می‌کند و خون‌ها می‌ریزد؟ خداوند فرمود: من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید. خداوند مانع ملائکه از نور خود نمی‌شد، ولی در اثر این اعتراض هفت هزار سال آنان را از نور خود محجوب کرد. ملائکه ۷ هزار سال به عرش پناه آوردند تا خداوند به آنان رحم کرد و از خطایشان درگذشت. خداوند در آسمان چهارم بیت المعمور را پناهگاه آنان و بیت‌الله را در زیر بیت المعمور پناهگاه و محل آرامش مردم قرار داد، پس طواف را هفت دور بر بندگانش واجب کرد؛ برای هر هزار سال یک دور.» شرائع الاسلام، ج ۲، ص ۴۰۶ و ۴۰۷، باب ۱۴۳، ج ۱؛ سید احمد الحسن، متشابهات، ج ۲، سؤال ۴۰.

۲۳. سید احمد الحسن، متشابهات، ج ۲، سؤال ۴۰.  
۲۴. سید احمد الحسن، روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان، ج ۳، ص ۱۵.

۲۵. سید احمد الحسن، پاسخ‌های روشنگرانه، ج ۳، سؤال ۲۳۴.  
۲۶. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حسین بن علی به یارانش فرمود: ای مردم به راستی خداوند متعال مردم را نیافرید مگر برای اینکه او را بشناسند. پس هرگاه او را بشناسند، عبادتش کنند و آنگاه که عبادتش کردند از عبادت غیر او بی‌نیاز می‌گردند. مردی گفت: ای فرزند پیامبر خدا! پدر و مادرم فدای شما! شناخت خدا چگونه است؟ حضرت فرمود: شناخت خدا به این است که مردم هر عصری امام واجب‌الاطاعة خود را بشناسند.» علل الشرائع، ج ۱، ص ۹؛ سید احمد الحسن، متشابهات، ج ۳، سؤال ۷۳.

۲۷. سوره یوسف، آیه ۱۰۶.  
۲۸. سید احمد الحسن، پاسخ‌های روشنگرانه، ج ۳، سؤال ۲۳۴.  
۲۹. همان.  
۳۰. سید احمد الحسن، متشابهات، ج ۳، سؤال ۸۷.  
۳۱. سید احمد الحسن، پاسخ‌های روشنگرانه، ج ۳، سؤال ۲۳۴.

۷. علل الشرائع، باب ۲۳۴.



۸. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۳۱، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، قم، ۱۴۰۹ق؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۲۷۱، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، قم، ۱۴۰۹ق.  
۹. احمد الحسن، متشابهات، ج ۲، سؤال ۳۰.  
۱۰. سایت طبایع



خبرگزاری آنا



باشگاه خبرنگاران جوان



تأثیرات مغناطیسی نماز بر بدن انسان،



۱۱. شیخ صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۲۶۲، انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۳ق؛ شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۲۳.  
۱۲. ویکی پدیا، دانشنامه آزاد.  
۱۳. سوره بقره، آیه ۱۴۴.  
۱۴. سید احمد الحسن، روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان، ج ۳، ص ۱۹ و ۲۰.  
۱۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴، ص ۱۰۵ تا ۱۰۷؛ سید احمد الحسن، روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان، ج ۳، ص ۲۲.  
۱۶. ر.ک: حر عاملی، وسائل الشیعه، محقق گروه پژوهش مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ج ۷، ص ۴۰۷.  
۱۷. صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۸۰.  
۱۸. کتاب معتبر، ج ۲، ص ۱۶۴. (سایت ویکی فقه)  
۱۹. خمینی رحمته الله علیه، سر الصلاة، ص ۶۵، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار خمینی، ۱۳۸۸. (سایت ویکی فقه).  
۲۰. خمینی رحمته الله علیه، آداب الصلاة، ص ۱۱۵ و ۱۱۶، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸. (سایت ویکی فقه)  
۲۱. در حدیثی از ابو عبدالله علیه السلام روایت شده است که فرمود: «... اما آغاز و پیدایش این خانه چنین بود که خداوند به فرشتگان فرمود: (انی جاعل فی الارض خلیفه) (من در زمین جانشینی قرار می‌دهم). فرشتگان به خداوند عزوجل پاسخ دادند: آیا

# مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن ظهور کرد.

ای شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام!

فرستاده امام مهدی و دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود،

سال هاست که منتظر شماست.

ای یهودیان!

فرستاده ایلیا آمده است.

ای مسیحیان!

تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.

ای اهل سنت!

آن مهدی که در آخر الزمان متولد می شود، اکنون در میان ماست.

ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین!

منجی بشریت با سندی از علم و شگفتی ها آمده است.